



عبدالله پور احمد

گوسالہ انحراف مطلقاً است

نگاهی کوتاه به جریان «گوساله سامری»

قبل از آن که حضرت موسی (علیه السلام) برای مناجات با خداوند متعال، از شهر خارج شود، مردم و پیروان خود را در جریان امر گذاشته بود و تأکید کرده بود که وی به مدت سی روز غایب خواهد بود. وقتی از جانب خداوند به حضرت موسی (علیه السلام) دستور داده شد که ده روز دیگر روزه بگیرد و ایام غیبت او از قومش طولانی شد: «وَ وَاَعَدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَ اَتَمَمْنَاهَا بِعَشْرٍ»؛ ما با موسی (علیه السلام) سی شب وعده گذاشتیم، سپس آن را با ده شب (دیگر) تکمیل نمودیم.

قوم موسی این طولانی شدن را تأخیر تلقی کردند و گفتند موسی به وعده‌ای که به ما داده بود، عمل نکرد. در این میان، مردی نیرنگ باز از بنی اسرائیل که قرآن او را سامری خوانده است، مردم را گمراه کرد: «قَالَ فَإِنَّا قَدْ فَتَنَّا قَوْمَكَ مِنْ بَعْدِكَ وَ اضَلَّهُمُ السَّامِرِيُّ»؛ فرمود ما قوم تو را بعد از تو، آزمودیم و سامری آن‌ها را گمراه کرد.

سامری علاوه بر غیبت موسی (علیه السلام) از دو عامل دیگر نیز نهایت بهره را برد؛ اول، تردید مردم در عقاید خود و دیگری سابقه گوساله‌پرستی مردم مصر. این پدیده چنان در میان مصریان شایع بود که وقتی گوساله‌های مورد پرستش در مصر می‌مردند، آن‌ها را مومیایی کرده و در گورستان ویژه‌ای در منطقه‌ای به نام سربایون دفن می‌کردند.^۳ سامری توانست از این عوامل به بهترین وجه ممکن، سوء استفاده نماید. وی که اتفاقاً زرگری ماهر هم بود، از این فرصت استفاده کرد و قسمتی از زر و زیوری که زنان بنی اسرائیل از مصر با خود آورده بودند، از آن‌ها گرفت و آن‌ها را در آتش ذوب کرد و از آن‌ها قالب گوساله‌ای ریخت و به شیوه هندسی ویژه‌ای آن را ساخت که هرگاه در آن، باد دمیده می‌شد، از دهان آن صدایی مانند صدای گوساله خارج می‌شد: «وَ اتَّخَذَ قَوْمُ مُوسَى مِنْ بَعْدِهِ مِنْ خَلْقِهِمْ عِجْلًا جَسَدًا لَهُ خُوَارٌ...»؛ قوم موسی بعد (از رفتن) او (به) میعادگاه خدا، از زیورهای خود گوساله‌ای ساختند؛ جسد بی‌جان که صدای گوساله داشت.

وقتی حضرت موسی (علیه السلام) از طریق وحی

الهی از توطئه سامری مطلع شد، به حالتی خشمگین قوم خود را مورد عتاب قرار داد: «فَرَجَعَ مُوسَى إِلَى قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا...»؛ موسی خشمگین و اندوهناک به سوی قوم خود بازگشت. سپس عامل این فتنه، یعنی سامری را مورد خطاب شدید قرار داد و گفت: «قَالَ فَادْهَبْ فَإِنَّ لَكَ فِي الْحَيَاةِ أَنْ تَقُولَ لَا مِسَاسَ وَإِنَّ لَكَ مَوْعِدًا لَنْ تُخْلَفَهُ وَ أَنْظِرْ إِلَى إِلْهِكَ الَّذِي ظَلَمْتَ عَلَيْهِ عَاكِفًا لَنْتَرَقَنَّهُ ثُمَّ لِنَنْسِفَنَّ فِي الْيَمِّ نَسْفًا»؛ (موسی) گفت برو که بهره تو در زندگی دنیا این است که (هر کس با تو نزدیک شود) بگویی با من تماس نگیر و تو می‌عادی (از عذاب خداوند) داری که هرگز تخلف نخواهد شد. (اکنون) بنگر به این معبودت که پیوسته آن را پرستش می‌کردی و بین ما آن را نخست می‌سوزانیم، سپس ذرات آن را به دریا می‌پاشیم.

نکته‌ها و عبرت‌ها

درس‌ها و نکته‌های عبرت‌آموزی که می‌توان از جریان «گوساله سامری» گرفت، به اختصار، این‌گونه قابل شمارش است:

۱. لزوم وجود ولی امر در جامعه اولین درسی که می‌توان از این جریان

هر چند غیبت حدوداً چهل

روزه حضرت موسی (علیه السلام)

به امر الهی و براساس

مشیت حضرت حق بود،

اما این حقیقت را آشکار

ساخت که جامعه، بدون

حضور ولی امر، خصوصاً

ولی امر عادل و مومن، به

گمراهی دچار خواهد شد.

آموخت، لزوم وجود رهبر و ولی امر در هر جامعه و به ویژه جامعه دینی است. هر چند غیبت حدوداً چهل روز حضرت موسی (علیه السلام) به امر الهی و براساس مشیت حضرت حق بود، اما این حقیقت را آشکار ساخت که جامعه، بدون حضور ولی امر، خصوصاً ولی امر عادل و مومن، به گمراهی دچار خواهد شد. سوء استفاده



اشاره:

«گوساله سامری» را باید یکی از مهم‌ترین داستان‌های آموزنده قرآنی به شمار آورد. این ماجرا بخشی از تیات پلید جریان باطل را بر ملا می‌سازد؛ جریانی که همواره در صدد است تا جبهه حق را به بیراهه کشاند و جامعه را در تیررس افکار خود قرار دهد. نوشتار حاضر، نگاهی است کوتاه به این جریان و درس‌ها و عبرت‌هایی که باید از آن گرفت.



شمار می‌رود.

۳. انحراف؛ مولود تردید در عقاید

جامعه‌ای که از عمق ایمانی برخوردار نباشد و در عقایدش تردید داشته باشد، بهترین بستر را برای شکل‌گیری و رشد انحراف، فراهم خواهد آورد. اصولاً انحراف در جامعه‌ای روی می‌دهد و نشو و نما می‌یابد که آن جامعه دارای عقاید متزلزل و ایمان ضعیف باشد. انحراف هیچ‌گاه فرصت و توان ریشه یافتن در جوامعی که دارای بنیه قوی دینی و مذهبی هستند، ندارد. همانگونه که گفته شد، سامری با سوء استفاده از تردید امت موسی (علیه السلام) در عقاید خود، گوساله‌ای را به عنوان خدای امت معرفی و مردم آن دیار نیز با توجه به همین نقطه ضعف موجود، فریب سامری را خورده و انحراف را در خود نهادینه نمودند.

۴. اعقاب پیشگی؛ عامل رشد انحراف
خداوند متعال در آیه ۱۴۴ سوره مبارکه آل

انحراف در جامعه‌ای روی می‌دهد و نشو و نما می‌یابد که آن جامعه دارای عقاید متزلزل و ایمان ضعیف باشد. انحراف هیچ‌گاه فرصت و توان ریشه یافتن در جوامعی که دارای بنیه قوی دینی و مذهبی هستند، ندارد.

مشخص می‌گردد و در زمانی دیگر امت پیامبر (ص) در عصر غیبت امام دوازدهم در معرض انواع و اقسام امتحانات قرار می‌گیرند. این سنت همیشه وجود داشته و خواهد داشت، مهم آن است که یک جامعه چگونه از این امتحان، بیرون بیاید. خداوند متعال در آیه ۸۵ سوره مبارکه طه، صراحتاً به حضرت موسی (علیه السلام) می‌فرماید که «ما قوم تو را بعد از تو، آزمودیم...» این نکته نیز از جمله درس‌ها و عبرت‌های آموزنده از ماجرای «گوساله سامری» به

جریان انحرافی آن زمان، دقیقاً در همان موقعی روی داد که رهبر جامعه، حضور نداشت. بی‌گمان با حضور حضرت موسی (علیه السلام) هیچ‌گاه سامری به خود اجازه عرض اندام در میان مردم را نمی‌داد.

۲. امتحان الهی؛ امری محتوم برای همه جوامع

نکته دیگر که باید دانست این است که همواره همه جوامع، به ویژه جوامع دینی و ارزشی، در معرض امتحان الهی قرار دارند. سنت امتحان خداوند از بندگان، هم به منظور شناختن عیار واقعی انسان‌ها است و هم شناساندن چهره واقعی انسان به خود انسان.

این سنت، در همه روزگاران مشمول همه اقوام و ملت‌ها شده است. یکبار قوم هود (علیه السلام) به این امتحان آزمایش می‌شود و دگر بار قوم ثمود و لوط. یکبار امت ابراهیم (علیه السلام) و بار دیگر امت رسول الله (ص) در یک زمان، در سرزمین کربلا این سنت الهی جاری می‌شود و سره از ناسره

عمران به دو گروه موجود در عالم هستی اشاره می‌فرماید: «وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإَيْنَ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَىٰ عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَصُرَ اللَّهُ شَيْئًا وَ سَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ؛ و محمد ﷺ نیست مگر پیغمبری از طرف خدا که پیش از او نیز پیغمبرانی در گذشتند. اگر او به مرگ یا شهادت درگذشت، شما به جاهلیت خود رجوع خواهید کرد، پس هر که مرتد شود، به خدا ضرری نخواهد رسانید، البته خداوند جزای نیک اعمال به شکرگزاران عطاء خواهد کرد.

این دو گروه که در آیه فوق ذکر شده است، عبارتند از اعقاب پیشگان و شاکران. شاکران همان مؤمنان هستند و اعقاب پیشگان نیز آنانی‌اند که بر سنت جاهلیت و باطل و قدیمی خود پای‌بندند و بدان تعصب جاهلانه دارند. همین اندیشه اعقاب‌پیشگی و بازگشت به سنت‌های غلط و مردود، خود عاملی مهم جهت شکل‌گیری و رشد انحراف و انحطاط در جامعه است. در جریان گوساله سامری، جریان انحرافی با سوء استفاده از «اعقاب‌پیشگی» امت موسی (علیه السلام) ضربه‌ای کاری و اساسی بر پیکره این جامعه وارد ساخت. سامری با اطلاع از سابقه گوساله‌پرستی مردم، به تحریک همان حس «اعقاب‌پیشگی» آنان همت گماشت و از طلا و جواهرات موجود در دستش، دقیقاً همان موجودی را ساخت که سال‌ها مورد تقدیس و احترام مردم قرار می‌گرفت و به عبارتی، با آن حس نزدیکی داشتند.

۵. بصیرت؛ پادزهری بر ضد انحراف

آنچه امت موسی (علیه السلام) بدان گرفتار شدند و عامل انحراف آنان شد، بی‌بصیرتی و عدم شناخت درست از اوضاع و عدم درک صحیح از واقعیت‌ها بود که موجب شد تا انحرافی به نام «گوساله سامری» در جامعه آن زمان ریشه بدواند و جامعه را به سمت انحطاط و سقوط سوق دهد. بصیرت به مثابه پادزهری در برابر زهر انحراف و انحطاط است. بصیرت موجب می‌شود تا جامعه در بزنگاه‌های مهم، از خطر

را بر پیکره جامعه وارد می‌نماید. جریان گوساله سامری از موقعیت‌سنجی و دقت تعجب‌برانگیز شخص سامری، حکایت دارد. او بهترین زمان را در همان بازه زمانی غیبت حضرت موسی (علیه السلام) دانست و در همین مدت نیز، کاری‌ترین ضربه را بر جامعه وارد ساخت. جریان‌های انحرافی در همه دوران، به همین گونه عمل کرده و در بهترین زمان ممکن، به فتنه‌گری و شیطنت همت می‌گمارد.

نتیجه

آنچه به طور کلی می‌توان از جریان گوساله سامری ارائه داد و از مقاله حاضر استخراج نمود، مسئله «فریب افکار عمومی» از طریق سوء استفاده از بی‌بصیرتی و احیانا جهل یک جامعه است. سامری با زیرکی و فطانت توانست از سستی افکار عمومی و عدم تشخیص و بصیرت آنان سوء استفاده نماید. او با ساختن مجسمه‌ای مطلاً و به ظاهر مقبول، افکار جامعه را به سمت و سویی هدایت نماید که همواره مد نظر جریان باطل است. پرواضح است که جریانات انحرافی در طول تاریخ، با استفاده از همین محمل، کاری‌ترین ضربات را بر پیکر جوامع بشری و توحیدی زده‌اند. گوساله سامری نمادی عینی از سوء استفاده از مکتب بر ضد مکتب بود و این حرکت موزیانه در رنگ و لعابی فریبکارانه ارائه شد، به گونه‌ای که مغز و فهم دقیق مکتب در مسلخ مکتب ظاهری و فریبکارانه قربانی شد. این حربه در همیشه تاریخ مورد استفاده جریان انحرافی قرار گرفته و می‌گیرد.

پی‌نوشت‌ها:

۱. اعراف، ۱۴۲.
۲. طه، ۸۵.
۳. همراه با پیامبران در قرآن، عقیف عبدالفتاح طباره، ترجمه عباس جلالی، ص ۳۱۵.
۴. اعراف، ۱۴۸.
۵. طه، ۸۶.
۶. همان، ۹۷.

همه جوامع بشری و به ویژه جامعه اسلامی باید به هوش باشند که جریانات باطل و انحرافی همواره مترصد فرصتی مناسب جهت فتنه‌گری در جامعه است. این جریانات در کمین‌گاه خود مخفی‌اند و هر زمانی فرصت را مغتنم بشمارند، زهر خود را بر پیکره جامعه وارد می‌نمایند.

سقوط در مهلکه انحراف برهد و به سمت تعالی رهنمون گردد. اگر امت موسی (علیه السلام) از بصیرت کافی برخوردار بودند، هیچ‌گاه فریفته یک حیوان مطلاً فریبنده که با زبردستی ساخته شده بود نمی‌شدند و اینگونه موجبات خشم و غضب موسای پیامبر و بالاتر از آن، خدای موسای پیامبر را فراهم نمی‌آوردند.

اهتمام رهبری انقلاب در دیدارهای عمومی و حتی خصوصی با مسئولان بر بالا بردن بصیرت و بصیرت‌افزایی در جامعه، بیانگر جایگاه مهم این عنصر آگاهی‌بخش در جامعه در مواقع و مواضع حساس و در برخورد با جریان‌های انحرافی است که «طلا»ی دین را از «مطلا»ی انحرافی تشخیص دهند.

۶. فتنه‌گری جریان انحرافی

همه جوامع بشری و به ویژه جامعه اسلامی باید به هوش باشند که جریانات باطل و انحرافی همواره مترصد فرصتی مناسب جهت فتنه‌گری در جامعه است. این جریانات در کمین‌گاه خود مخفی‌اند و هر زمانی فرصت را مغتنم بشمارند، زهر خود

